

بسم الله الرحمن الرحيم

طرح بازنگاری مجدد برخی فهرست‌های نسخه‌های خطی^۱

حسین متقی

hosseinmottaghi@yahoo.com

بر هیچ محقق و پژوهشگری پوشیده نیست که تحقیق، تصحیح و احیای نسخه‌های خطی و انتشار محققانه و عالمانه‌ی آن‌ها، مرهون شناساندن دقیق و معرفی اصولی این نسخ در فهرسی که از سوی مراکز نگهداری این نسخ، اعم از کتابخانه‌های عمومی داخل یا خارج کشور و یا مجموعه‌های خصوصی، منتشر می‌گردد، می‌باشد و از این رهگذر امر خطیر و گرانسنگ فهرست‌نگاری نسخ خطی، که به اعتراف بسیاری از خاورشناسان و پژوهشگران داخلی و خارجی، از بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین امور پژوهشی به شمار می‌رود؛ و جایگاه فهرست‌نگاران و مسؤولیت سنگین و بنیادین آنان در شناسایی دقیق این آثار مشخص می‌گردد. با توجه به شرایط فیزیکی و بسیار پیچیده‌ی حقیقی یا مجازی حاکم بر کتابخانه‌ها، مؤسسات، و مراکز فرهنگی داخل یا خارج از کشور، برای دسترسی پژوهشگران حقیقی به داده‌های این آثار، مسؤولیت فهرست‌نگاران را در معرفی و شناساندن دقیق، تفصیلی (تحلیلی) و عالمانه‌ی این آثار، دو چندان می‌سازد؛ چه، همه‌ی بناهای پژوهشی، در یک نگاه ژرفا، بر بنیاد این تعاریف از نسخه‌ها در فهرست‌های منتشر شده، استوار است و در واقع آبشخور بسیاری از زمینه‌های تحقیق و پژوهش در مراکز و محافل علمی، حوزوی و دانشگاهی در داخل و خارج از کشور، از همین فهرست‌ها نشأت می‌گیرد و چنانکه نسخه‌ای درست و دقیق شناسانده شود، این چرخه به نحو فزاینده و شتابنده‌ای بسترهای متنوع و به هم پیوسته‌ای را در راستای شناساندن فرهنگ‌ها، شناسایی علوم پیشینیان، به وجود خواهد آورد، که برخی از آن‌ها به یقین می‌تواند افقهای روشن و جدیدی را در زمینه‌هایی مانند علوم قرآن و تفسیر، علوم پزشکی،

ریاضیات، فلسفه، منطق، کلام، علوم طبیعی، مباحث فقهی و حقوقی و سایر علوم و فنون، فراروی دانشمندان، بگشاید و کمکی بسزا در پیشبرد و پیشرفت دانش بشری، به خصوص در راستای آموزه‌های اسلامی، فراهم آورد؛ و اما اگر نسخه‌ای به هر دلیل ممکن - اعم از فقدان توانایی لازم یا عدم تبحر کافی در امر فهرست‌نگاری نسخ خطی، نداشتن آگاهی از موضوع اثر، ناآشنایی با زبان نسخه، دسترسی نداشتن به منابع و مصادر و خلاصه فقدان هر امری که يك فهرست‌نگار در راستای شناساندن و شناسایی دستنویسی به آن ابزارها ناگزیر است - پدیدآور اثر یا عنوان دستنویسته - ای ناشناخته باقی ماند و یا احیاناً اثری به اشتباه معرفی گردد و مثلاً با عنوان دیگری، یا منتسب به شخص دیگری شناسانده شود و یا این‌که، برخی و حتی گاه نیمی! از رساله‌های مندرج در مجموعه‌ای، که حاوی ده‌ها رساله‌ی مهم است، از دیدگان فهرست‌نگار دور ماند و از قلم ساقط شود؛ این اشتباهات یا کاستی‌ها، در انواع پژوهش‌ها و حتی کتاب‌شناسی‌هایی که بعدها بر اساس و ابتدای به این فهرست‌ها به وجود خواهد آمد، به صورت تسلسلی و زنجیروار زمینه‌ی اشتباهات گوناگون و مکرر را فراهم خواهد آورد. مع الاسف عمق نفوذ این اشتباهات در منابع گاه چنان گسترده و عمیق است، که به آسانی نمی‌توان به سرمنشأ این اشتباهات دست یافت و آن‌ها را اصلاح نمود و حقیقت تلخ عدم دسترسی آسان و روان پژوهشگران به این نسخ هم، با توجه به مسایلی که پیش‌تر بیان شد، حل این معما را، به راستی بسیار صعب و مشکل می‌سازد.

بر ارباب و اهالی تحقیق و پژوهش مبرهن و واضح است که یکی از مسؤولیت‌های بسیار سنگین فهرست‌نگاری شناساندن و "توصیف بدون تبعیض" این آثار است و به اعتراف همه‌ی منصفان، به حقیقت جایگاه "نگرش ارزشی" به موضوع نسخه‌های خطی، مرحله‌ی فهرست‌نگاری نیست؛ باید به این حقیقت اعتراف نمود که

اعمال نظرهای کارشناسی و ارزشیابی برخی فهرست‌نگاران در طول تاریخ فهرست‌نگاری - چه در داخل و چه در خارج کشور - نسبت به موضوع یا زبان این نسخ و به تعبیر دیگر "برخورد ارزشی، گزینشی و تبعیض آمیز" با این آثار در معرفی آن‌ها، به جز موارد استثنایی، مانند کتب ضاله - که البته حتی معرفی اجمالی آن‌ها نیز برای مقاصد معین تدافعی، در جایگاه خود امری ضروری و اجتناب ناپذیر است - منجر به این شده که امروزه با انبوهی از فهرس دستنویس‌های کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی داخل و خارج کشور مواجه گردیم، که با توجه به علل پیش‌گفته یا علل گوناگون دیگر، اعتماد پژوهشگران و حتی فهرست‌نگاران سایر مجموعه‌ها، علی‌رغم استفاده‌ی محتاطانه از این فهرس - حداقل نسبت به فهرس برخی کتابخانه‌ها - تا حدودی سلب گردیده و زمینه‌ی نگرش محتاطانه و حتی گاهی بدبینانه و بی-اعتمادانه‌ای را برای دانش‌پژوهان فراهم آورده است. تراژدی غم‌انگیزی که پژوهش‌های ارزشمند و تلاش‌ها و محصولات علمی بسیاری از بزرگان را که با احساس مسؤولیت یک عمر رنج کار سترک طاق‌فرسای فهرست‌نگاری را بر دوش کشیده و غبار از روی این آثار کهن برگرفته‌اند، تحت‌الشعاع خود قرار داده است، که حقیقتاً جفایی است سخت گران و نابخشودنی!

بی‌اهمیتی یا عدم توجه به رساله‌های خرد و مختصر، به خصوص در مجموعه‌ها، عربی‌گرایی یا فارسی‌گرایی افراطی و عدم توجه دقیق و عمیق در شناسایی و شناساندن صحیح نسخه‌های فارسی یا عربی، یا حتی نگرشی کاملاً تبعیض‌آمیز مثلاً نسبت به نسخ خطی ترکی و یا برخورد ارزشی و گزینشی با این آثار در معرفی و توصیف آن‌ها و... در برخی مراکز فرهنگی داخل یا خارج کشور، تاکنون منشأ نابسامانی‌های فراوانی در فهرس نسخه‌های خطی گردیده است و به حقیقت سؤالاتی که به نظر می‌رسد باید پاسخی برای آن‌ها یافت، به عنوان مثال این‌که: چرا

در این مقطع تاریخی که باید به جای سخن گفتن و تدبیر و ارائه‌ی راهکارهایی کاربردی و عملی درباره‌ی فهرست‌نگاری نوین انبوهی از نسخه‌های خطی معرفی نشده‌ی موجود در مراکز فرهنگی و کتابخانه‌ها، امروز سخن از تدبیر در اصلاح و تجدید کار و تصحیح عملکرد پیشینیان و بالمآل بازنگاری فهرست‌ها، بپردازیم؟ مگر آموزه‌های دینی و دکتترین ما مسلمانان بر کلمات نورانی معصومین علیهم‌السلام همچون: «رَحِمَ اللهُ امْرَأً إِذَا عَمِلَ شَيْئاً، أَتَقَنَهُ» / خداوند بیامرزد آن کس را، بدان گاه که امری به جای آورد، به نحو احسن و کامل انجام دهد، استوار نیست؟ چرا زمینه‌های اجرایی و عملی این احادیث شریف را، که مبتنی بر خردگرایی، منطق و عقلانیت است، بیش‌تر در پژوهش‌های مغرب‌زمینیان نظاره‌گر باشیم تا ما مسلمانان؟ چرا در این مرز و بوم امر خطیر فهرست‌نگاری نسخ خطی در زمان خود، به نحو مطلوب در قالبی تحلیلی، دقیق و کامل صورت نمی‌پذیرد، که پژوهشگران این آثار را تا حدودی اقناع نماید؟ چرا برخی مدیران معزز کتابخانه‌ها با قراردادن محدودیت زمانی برای فهرست‌نگاران، کیفیت کار فهرست‌نگاری را در مسلخ کمیّت، ذبح می‌کنند؟ این شتاب از چه روست، مگر پیمان‌های عمر جهان پر شده است؟ چرا همچنان نظاره‌گر انتشار فهرست‌هایی ناپخته و سطحی هستیم، که آیندگان باید با سیر قهقرایی و بازنگاری به تصحیح آثار آنان بپردازند؟ و ده‌ها چراغ دیگر که بیان همه‌ی آن در این مجال اندک نمی‌گنجد و خود، گفتار دیگری می‌طلبد.

نکته‌ی مهمّ و ضروری که نگارنده پیش‌تر به مناسبت‌های گوناگون نیز بدان اشاره نموده و تأکید داشته، "توجه به نقد علمی و کارشناسانه‌ی فهرست‌های منتشر شده" است، که در سال‌های اخیر به جهت برخی ملاحظات ناجا و غیر موجّه، از سوی منتقدین، بسیار کمرنگ شده و جالب‌تر این‌که موارد اندک نیز بیش‌تر به تعریف و تمجید و معرفی اجمالی فهرست‌ها دست‌نویس‌ها بوده تا نقد علمی دقیق و منصفانه! هر

چند که برخی از منتقدان بر این باورند که اولاً هنوز روحیه‌ی نقدپذیری در بین این عزیزان جا نیفتاده است و ثانیاً برخی از این بزرگواران اصولاً خویش را مبرا از هر گونه نقد می‌دانند و چنانچه نقدی علمی از آثار مذکور صورت گیرد، بر نمی‌تابند و به جای پذیرش منطقی اشتباه یا دادن جواب منطقی و معقول به شدت واکنش منفی نشان می‌دهند؛ ثالثاً در برخی موارد دیده شده که منتقدان، مورد بی‌مهری شدید قرار گرفته و نگارندگان فهرست‌های یاد شده نیز از اهرم‌هایی که در اختیار دارند، بهره گرفته و منتقدان را در بایکوت همه‌جانبه‌ی خویش قرار می‌دهند!

نگارنده بر این باور است که نقد و ارزیابی عالمانه‌ی فهرست‌های نسخ خطی، در واقع هم دل‌گرمی پدیدآوران آن را سبب است و هم اقبال افزون‌ترشان؛ به بیان آشکارتر "نقد آثار" گامی است در جهت تعالی سطح کار علمی فهرست‌نگاران و تنقیح و پیراستن آثارشان از کاستی‌ها، نه تضعیف و تعییر آثار و شخصیت علمی آنان. چنانکه نقد آثار، عاری از هرگونه "شخصیت پردازی" باشد، و به تعبیر دیگر در عوض پرداختن به نقد شخصیت‌ها، صرفاً به نقد علمی آثار با بهره‌گیری از لحن و ادبیات خاص و محترمانه، همانند روشی که خواجه نصیرالدین طوسی در نقد علمی *شرح الاشارات* فخر رازی و یا آثار دیگران بهره جسته است، پرداخته شود، کمتر کسی را می‌توان سراغ گرفت که از نقد علمی اثر خود، رنجیده خاطر شده باشد؛ و دیگر سو، صحیح نیز به نظر نمی‌رسد که به جهت پاره‌ای ملاحظات بی‌پایه، نقد عالمانه و منصفانه‌ی فهرست‌های منتشر شده را - که به حقیقت برکات بسیاری در آن نهفته است - رها سازیم و از خطاهایی که همه روزه شاهد تکرار آن هستیم، چشم‌پوشی و اغماض کنیم؛ بی‌تردید اهمال و چشم‌پوشی منتقدان در عدم توجه به نقد علمی آثار یاد شده (بدون تبعیض)، خیانتی آشکار و ناجنحسودنی برای پژوهشگران نسل آتی این مرز و بوم است، سکوت و نپرداختن به نقد علمی و توجه

نداشتن به آثار یاد شده از سوی کسانی که اهلّیت نقد این آثار را دارند، لیکن بی- احساس مسؤوّلّیت از کنار آن بدون دغدغه گذشته یا می‌گذرند، بی‌تردید در خطاهایی که نخستین فرد مرتکب شده، سهیمند؛ چرا که فراوان مشاهده شده، اگر خطاهای فهرست‌نگاری، امروز نقد و تصحیح نشود، این اشتباهات بعد از گذشت چند سال به کتاب‌شناسی‌های متعدّد حتّی به زبان‌های دیگر و در پژوهش‌های زنجیروارِ دیگر در گستره‌ی جهانی راه می‌یابد و زمینه‌ی اشتباهات تسلسلی را نیز فراهم می‌آورد که بی‌تردید برخی از آن‌ها در دراز مدّت خسارت‌های مادّی و معنوی جبران‌ناپذیری را به‌بار خواهد آورد. به هر تقدیر امید است دوستان و عزیزان، به امر خطیر فهرست‌نگاری نسخه‌های خطّی - که به حقیقت "مادر پژوهش‌ها" لقب گرفته - بیش‌تر عنایت نموده و این امر بسیار مهمّ، زیربنایی و بنیادی و محصولات آن را، که فهارس دستنویس‌ها می‌باشند، با احیای سنّت حسنه- ی "نقد علمی" آن‌ها، جدّی بگیرند.

ضرورت بازنگاری مجدّد برخی فهرست‌های منتشرشده از سوی برخی مراکز فرهنگی در کشورمان ایران پیش‌تر از سوی برخی بزرگان پیش‌کسوت، بنیادی‌ترین وادی و پهنه‌ی پژوهش و تحقیق، یعنی فهرست‌نگاری نسخ خطّی، همچون: استاد عبدالحسین حائری در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی و آقایان رضاپور و اردلان در کتابخانه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی، و دیگر بزرگواران احساس گردیده بود، همانگونه که استاد حائری با تجدید چاپ محققانه‌ی جلد سوم فهرست کتابخانه‌ی مجلس، آقای اردلان با تجدید جلد نخست و آقای رضاپور با بازنگاری جلد پنجم فهرست کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی و ...، این نهضت را به صورت عملی آغاز نموده و بدان پرداخته‌اند؛ حال چقدر بجاست، دست اندرکارانِ آن دسته از مراکز فرهنگی که فاقد افزایش نسخه، اعمّ از اهدا، خرید یا وقف بوده و تقریباً آمار ثابتی

دارند و یا این‌که تقریباً فهرست‌نگاری تمامی نسخ آن‌ها به انجام رسیده، مانند: کتابخانه‌های ملی ملک، سپهسالار، وزیری یزد و ...؛ یا دارای فهرستی نامگوی می- باشند، مانند: کتابخانه‌های مدرسه‌ی مروی، مدرسه‌ی فیضیه و ...؛ بار دیگر از نو فهرست‌نگاری تفصیلی (تحلیلی) و شناساندن عمیق و دقیق نسخ خود را، با مؤلفه‌ها و مقتضیات زمان، حداقل با تهیه‌ی یک فهرست تحلیلی موضوعی، در دستور کار خویش قرار داده و افق‌های جدیدتری را در پهنه‌ی پژوهش و تحقیق برای نسل جوان دانشجو، بگسترانند. همچنین در مراکز ماندگاری کتابخانه‌های آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی قده، مجلس، آستان قدس و ...، که تعداد نسخه‌های خطی این مجموعه-ها، اعم از طریق اهداء، خرید یا وقف، با سرعت چشمگیری در حال افزایش و تزايد است، که حتی گاهی آهنگ معرفی نسخه‌ها به مراتب کندتر از تعداد نسخه‌های افزوده شده به گنجینه و مخازن این مجموعه‌هاست! پیشنهاد می‌شود همزمان با به کارگیری و افزودن فهرست‌نگاران جدید، از تربیت نیروهای جوان فهرست‌نگار نیز غافل نشوند و نیز به تدریج در کنار آن، بایسته و ضرورت انکارناپذیر و اجتناب-ناپذیر بازنگاری و تجدید نظر در فهرست‌های منتشرشده‌ی پیشین خود را در دستور کار و سرلوحه‌ی برنامه‌های مراکز تحت اختیار خود، قرار دهند.

به نظر می‌رسد با توجه به گستردگی و وسعت دامنه‌ی استدراکات و اغلاط مادی و معنوی در فهرس نسخه‌های خطی، دوره‌ی استدراک نویسی پراکنده، نسبت به فهرس خطی منتشر شده، دیر زمانی است منقضی شده و به سرآمده باشد؛ چرا که گاه مشاهده گردیده استدراکات آن‌قدر گسترده است که انصافاً تخصیص اکثر لازم می‌آید! و تصحیح فهرس از سوی دارندگان آن فهرست‌ها، بر اساس استدراک نامه-های عریض و طویل، با توجه به گسترش و سرعت اطلاع‌رسانی و انقلاب در جابه‌جایی داده‌ها و اطلاعات، حقیقتاً از حوصله‌ی پروسه‌ی پژوهش‌های امروزمین،

عملاً خارج و گزینه‌ای نامتجانس و ناهمگون است؛ از این رو به نظر می‌رسد یگانه‌گزینه‌ی منطقی این باشد که همه‌ی استدراکات و تصحیحات فهارس که طی سالیان دراز از سوی پژوهشگران یا خود فهرست‌نگاران این مجموعه‌ها بر فهرست‌ها اعمال شده، با یک بازنگاری مجدد، داخل در فهارس جدید نسخه‌ها نمایند. از دگرسو اصولاً با توجه به انقلاب و نورآوری‌ها در روشها و الگوهای متعدد و گوناگون فهرست‌نگاری در قالب فهرست‌های تحلیلی، توصیفی یا نامگوی و نیز طرح مباحث جدید - با تأکید بر رشته‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی و نوع نگرش خاص آن به موضوع نسخه‌های خطی - در نوع نگارش و روش‌های فهرست‌نگاری مطرح در آن، ضرورت تدوین و بازنگاری مجدد این فهارس، امری بدیهی به نظر می‌رسد، ولی تاکنون به صورت جدی هیچ‌یک از نهادهای دست‌اندرکار بدان نپرداخته‌اند.

نگارنده بر این باور است که حقیقتاً نقد علمی، مستند و منصفانه‌ی آثار، به هیچ روی تضعیف شخصیت نگارنده‌ی آن نیست، چرا که فرض بر این است، که فهرست‌نگار آن دستنویس‌ها، تمام تلاش خویش را برای شناساندن و شناسایی نسخه‌ها، به کار برده، لیکن بیش از این در حد، وسع و توان او نبوده، چرا که: «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» و راهنمایی و اصلاح اشتباهات دیگران در طول تاریخ همیشه با استقبال و تشویق خود آنان مواجه شده است و بی‌تردید روشی منطقی و پذیرفته شده در جهان امروز پژوهش است؛ به عنوان نمونه، انتشار جلد سوم *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس* یا بازنویسی و چاپ مجدد جلدهای اول و پنجم *فهرست نسخ خطی آستان قدس رضوی*، یا نگارش مجدد فهرست کتابخانه‌های: آستانه‌ی سید عبدالعظیم حسنی رحمته‌الله علیه، مدرسه‌ی فیضیه قم، مسجد اعظم قم، آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) و ... همراه اصلاحات و استدراکات آن‌ها از سوی شخصیت‌هایی چون استاد حائری، آیت‌الله استادی، آقای اردلان،

آقای رضاپور و دیگران، دقیقاً در همین راستا بوده است.

ناگفته پیداست که همه‌ی منتقدان، دانشجویان و دانش‌پژوهان جوان در زمینه‌ی نسخ خطی، باید فقط به بسط دادن بسترهای جدیدتر نسبت به پژوهش‌های انجام گرفته در علوم گوناگون، بیندیشند و پژوهش‌های گذشتگان را بعد از تنقیح و پیرایش علمی، تصحیح نموده؛ به اصطلاح آن‌ها را "به هنگام" سازند، سپس آن‌ها را تکمیل نمایند و همچنین نگاه‌هایشان را باید منحصرأً به آینده و ایجاد بسترهای نوین در عرصه‌ی تحقیق، دین، فرهنگ، دانش و ادب، معطوف دارند.

نگارنده بر این باور است که فهرست‌نویسی نسخه‌هایی مانند: دستنویس‌های ترکی، که برخی فهرست‌نگاران، با این نوع زبان‌ها و لهجه‌های متعدد آن مانند: آذری، ازبکی، قرقیزی، ترکمنی، قزاقی، ایغوری، چغتائی، عثمانی و ... آشنایی کافی ندارند، یا فاقد توانایی لازم برای بهره‌جویی از منابع و فهرس ترکی استانبولی (لاتین) هستند، از اساس امری ناصواب و خطاست و قضیه به همین ترتیب است در فهرست‌نویسی دستنویس‌هایی که به زبان عربی یا فارسی و سایر زبان‌ها نگاشته شده، برای فهرست‌نگارانی که به زبان‌های فارسی یا عربی یا سایر زبان‌ها تسلط کافی ندارند؛ در این موارد، طریق صواب این است که آنان، یا اصولاً به فهرست-نگاری چنین آثاری نباید اقدام نمایند، یا گزینه‌ی بهتر و منطقی‌تر این‌که با کسانی که با این نوع زبان‌ها آشنایی کافی دارند، با استفاده از امکاناتی که فناوری بشر امروز در زمینه‌ی ارتباطات، مانند: پست الکترونیکی (ایمیل)، دورنگار (فکس)، تلفن و ... در اختیار همگان قرار داده، با محققان و فهرست‌نگاران دیگر گنجینه‌ها و کتابخانه‌ها، به رایزنی پرداخته و با آنان بی‌هیچ نگرانی، مشاوره نمایند؛ چون مهم، ارائه‌ی فهرستی نسبتاً پخته، گویا و نزدیک به واقع و نیز عاری از اغلاط و اشتباهات ظاهری و معنوی سطحی در لایه‌های فوقانی کار است که گاهی به ادنی ملاحظه‌ای در

فهرست‌های این چنینی، اشتباهات و خطاهای فهرست‌نگار آن به سرعت رخ می‌نماید! وگرنه بر همگان روشن و مبرهن است که: کتاب بی‌عیب و نقص، فقط کلام الهی و قرآن مجید است و بس! و همچنان‌که پیش‌تر بدان اشارت رفت، بحث‌های علمی عمیق‌تر نسبت به لایه‌های زیرین و تحتانی نسخ معرّفی شده در فهارس، همیشه موضوع داغ نسخه‌پردازان بوده و امر جدیدی نیست! با اقبال بر پیشرفت‌ها در امر نگارش و انتشار فهارس جدید دستنویس‌های کتابخانه‌ها، منابع نوین و شناسایی تدریجی نسخ خطّی در ایران و سایر کشورها و نشر داده‌های آن‌ها و گشایش ابواب و افق‌های نو در عرصه‌ی فهرست‌نگاری و ... همیشه بوده و هست و خواهد بود و به بیان دیگر حرف‌نهایی را هرگز نمی‌توان در مورد نسخه‌های خطّی معرّفی شده در فهارس، زد و بی‌تردید احتیاج به مرور زمان و مستلزم تحقیقات بیش‌تر کارشناسی علمی و عملی مبتنی بر تجربیات کتاب‌شناسانه و نسخه‌شناسانه‌ی مصحّحان نسخه‌پرداز است و هیچ‌کس انتظار انتشار فهرستی بی‌غلط و کاملاً بی‌نقص را ندارد و نمی‌کشد، لیکن انتظار انتشار فهارس معقول و منطقی مطابق با استانداردهای پذیرفته شده‌ی جهانی، صحیح و به‌جاست؛ که به نظر نگارنده‌ی سطور می‌توان مهم‌ترین مشخصه‌ی آن را در: **فهرست‌نگاری مستند بر اساس مصادر کتاب‌شناختی و فهرست‌های نسخ خطّی و به دگر تعبیر فهرست‌نگاری با ذکر منبع کتاب‌شناختی و مؤید نسخه‌شناختی**، مورد ارزیابی و تدقیق علمی قرار داد؛ برای نمونه: هر نوع فهرستی که بر اساس منابع و مصادر تقریباً معتبر مانند: *الدریعة و کشف الظنون* با بهره‌گیری از فهارس تحلیلی معتبر داخلی، مانند: *فهرست کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سیهسالار)*، تألیف مرحوم ابن یوسف حدائقی، *فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (مشکوّة)*، تألیف مرحوم دانش پژوه، یا فهرست‌های نسبتاً متقن خارجی، مانند: *فهرست کتابخانه دولتی (سلطنتی) برلین*، تألیف ویلهلم آلوارت،

فهرست کتابخانه موزه بریتانیا، تألیف چارلز ریو و غیر آن از فهرست‌های نگارش یافته، در ذیل اطلاعات هر نسخه منابع مذکور نیز قید گردیده باشد، در آن صورت این فهرست قابل قبول و ماندگار و در غیر این صورت، اگر بدون ذکر منبع فهرست شده، یا در کمال استعجال - به هر دلیل - فهرستی نامگوی از آثار مخطوط کتابخانه - ای تهیه شده باشد، عملاً فهرستی مورد پذیرش جامعه‌ی پژوهشگران این آثار نیست و حقیقتاً به بازنگاری مجدد با امعان نظر بیشتر در همه‌ی جنبه‌ها و بخش‌های آن نیازمند است و عقلاً گریزی از پذیرش این واقعیت هم نیست، هر چند که دست‌یابی و رسیدن به چنین آرزو و خواسته‌ای شاید سال‌ها به طول انجامد.

امید است نوشتار حاضر نقطه‌ی آغازی باشد برای توجه دادن نهادهای مسؤول و دخیل در امر خطیر فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی، که با ارائه‌ی تئوری‌ها و راهکارهای لازم مبتنی بر نظریات کارشناسانه‌ی متخصصان امور، زمینه‌ها و بسترهای حرکت به سمت نگارش فهارسی کامل و تحلیلی، همانند فهرست کتابخانه دولتی برلین، فراهم سازند.



¹ . این مقاله در نشریه‌ی **میراث شهاب**: س ۱۱، ش ۳-۴ (پیاپی ۴۱-۴۲)، پاییز - زمستان ۱۳۸۵ش، صص ۱۰۳-۱۱۱ با اندکی تغییرات ویرایشی به چاپ رسیده است.